



تعدیل قرارداد

پدیدآورنده (ها) : حلبیان، حسین

حقوق :: نشریه گفتمان حقوقی :: پاییز و زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۲۱ و ۲۲

صفحات : از ۱۴۱ تا ۱۶۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1481465>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تعدیل قرارداد در فقه امامیه و حقوق ایران
- معرفی کتاب حقوقی: تعدیل قرارداد
- بررسی و ارزیابی اخلاقی از تعدیل قرارداد در حقوق ایران و فقه امامیه
- تعدیل قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال مالی
- به هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و پیش بینی شرط هاردشیپ در قراردادهای بین المللی
- دعوای اضافی و تغییرات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی
- شرط مذاکره مجدد هارد شیپ
- انحلال و تعدیل قرارداد عدم رقابت (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا)
- اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر حق فسخ قرارداد
- مسئولیت مدنی مهندس ناظر ساختمان
- مطالعه تطبیقی اجرای اجباری عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران، انگلیس، فرانسه و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین
- ماهیت حقوقی خاتمه ی پیمان (ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان)

عناوین مشابه

- معرفی کتاب حقوقی: تعدیل قرارداد
- مطالعه تطبیقی شرط تعدیل یکجانبه قرارداد مصرف از سوی صاحبان حرف
- الگوی ارتباط قرارداد روانی، تعهد و رضایت با انتظار از سازمان و رفتارهای غیر اخلاقی با توجه به نقش تعدیل کننده فرصت اعتراض به بی عدالتی
- واکاوی تعدیل قضایی قرارداد در پرتو قاعده «العقود تابعة للقصد»
- بررسی تاثیر پیاده سازی جانشین پروری بر قرارداد روانشناختی کارکنان با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی سبک رهبری مدیران (مطالعه موردی بانکداری شرکتی بانک ملت)
- ارتباط بین قرارداد بدهی و سرعت تعدیل ساختار سرمایه
- تاثیر تعدیل قراردادهای دولتی و تقویت طرف ضعیف قرارداد بر ارتقای استاندارد و کیفیت پروژه های دولتی
- شرایط تعدیل قرارداد در حقوق ایران و فرانسه
- مبانی تعدیل قرارداد به استناد غبن حادث
- امکان سنجی تعدیل ضمانت اجراهای نقض تعهد در فرض اجرای اساسی قرارداد

تعدیل قراردادها^۱

حسین حلبیان^۱

halabianh@yahoo.com

چکیده: تعدیل با اقسام سه‌گانه‌ی تعدیل توافقی و قانونی و قضایی در مقوله‌ی قرارداد و مهریه مطرح شده که این مقاله به اختصار درصدد بیان ماهیت، مبانی و اشکال تعدیل و جریان آن در قرارداد و مهریه و حتی مقولات غیرقراردادی است. پذیرش تعدیل چه در هر مور دی احتیاج به ادله و مبانی فقهی قابل قبول است و آنجا که این ادله و مبانی اجازه دهند تعدیل ممکن می‌باشد.

واژگان کلیدی: تعدیل قرارداد، تعدیل مهر، تعدیل قانونی، تعدیل قضایی، تعدیل توافقی.

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه علوم اسلامی رضوی و طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم

مقدمه

در ادبیات حقوقی با دو واژه‌ی «تعدیل قرارداد» و «تعدیل مهریه» مواجهیم که برای ورود به بحث، بررسی لغوی و اصطلاحی این دو واژه و شناسایی رابطهای بین این دو و اقسام هر یک، لازم به نظر می‌رسد. «تعدیل» کلمه‌ی مشترکی است که در هر دو اصطلاح وجود دارد. ما به بررسی مفهوم، اقسام، اشکال و مبانی تعدیل و دیگر مباحث مربوط خواهیم پرداخت.

۱- معنای تعدیل

تعدیل مصدر ثلاثی مزید (عَدَّلَ، يَعْدِلُ، تعدیل) می‌باشد، در لغت تعدیل را به معنای «برابگردن چیزی با چیزی و راست کردن آن» دانسته‌اند و در فارسی امروزی به معنای کاستن از شدت وحدت چیزی یا عملی دانسته‌اند.^۱ در مجموع، تعدیل به معنای متعادل ساختن امور و تلاش برای ایجاد اعتدال، معنای مورد نظر ما در عنوان تعدیل است.

۲- تعدیل قرارداد

این واژه‌ی مرکب اصطلاحی حقوقی است که برای آن تعاریفی می‌توان ذکر کرد؛ از جمله:

۱- اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض و معوض است، این تغییر، کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد.^۲

۲- هرگاه در جهت برابرساختن تعهدات طرفین در قرارداد، به هر طریق ممکن، شروط اولیه قرارداد یا مفاد مورد تراضی آنان مورد تغییر قرار گیرد، تعدیل قرارداد صورت گرفته است.^۳

۳- اقسام تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد به لحاظ‌های مختلف اقسام گوناگونی دارد ولی در یک تقسیم معروف - به لحاظ اراده‌ی تعدیل‌کننده‌ی قرارداد - تعدیل قرارداد را می‌توان دارای سه قسم دانست:

^۱ - جواد فخار طوسی، پژوهشی در تعدیل قرار داد، ص ۹۷. ر.ک: المصباح المنیر، ص ۳۹۶؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۷۳؛ اقرب الموارد، ج ۲، ص ۷۵۳ و لغت‌نامه‌ی دهخدا، ج ۴، ص ۵۷ و ۵۹.

^۲ - جواد فخار طوسی، منبع پیشین، ص ۹۷.

^۳ - سعید بیگلری، تعدیل قرار داد، ص ۱۶.

۱- تعدیل قراردادی (توافقی): به این معنا که اراده‌ی مشترک طرفین سبب تعدیل قرارداد شود. همان اراده‌هایی که اصل قرارداد را شکل داده و ایجاد کرده‌اند تصمیم بر تغییر و تحول در قرارداد می‌گیرند، که این نوع تعدیل خود بر دو نوع است:

الف: در متن عقد پیش‌بینی شده.

ب: پس از عقد صورت می‌گیرد.

که هر یک از اسم دو قسم نیز می‌تواند شقوق و شاخه‌های دیگری داشته باشد که محل بحث و اختلاف نظر است.

۲- تعدیل قانونی: تعدیل قراردادها توسط قانون‌گذار با قوانین صریح، روشن و خاص.

۳- تعدیل قضایی: تعدیل قرارداد توسط قضات دادرسان با استناد به قواعد کلی فقهی - حقوقی، روح قانون، عدالت و انصاف، بدون اینکه قانون صریح و خاصی در بین باشد.

۴- اسباب تعدیل قرارداد

در تعدیل قراردادی سبب تام تعدیل، اراده‌ی طرفین قرارداد است که این اراده‌ی جدید می‌تواند به خاطر انگیزه‌ها و دواعی مختلف شخصی، اقتصادی، اجتماعی و... در طرفین شکل بگیرد و قرارداد را دچار تغییر و تحول کند. و در تعدیل قانونی نیز این قانون‌گذار است که با در نظر گرفتن عناصر مختلفی از قبیل نظم عمومی و ترجیح مصالح اجتماعی بر مصالح فردی و دیگر ملاکات و مصالح دست به تعدیل می‌زند. ولی در تعدیل قضایی چه چیز سبب تعدیل قرارداد است؟ مسلماً این اراده‌ی طرفین نیست که سبب تعدیل است. ولی کدام اراده سبب تعدیل قرارداد می‌شود؟ آیا این اراده‌ی قاضی است که باعث تعدیل، تغییر و تحول در قرارداد می‌شود و یا اراده‌ی قانون و قانون‌گذار است که چنین تغییر و تحولی در قرارداد را ایجاد کرده، سبب تعدیل قرارداد می‌شود؟

آیا اصولاً قاضی چنین اختیاری دارد که بدون توجه به اراده‌ی طرفین به قرارداد شخصی آنان - که بنابر برخی نظریات حقوقی از آن به «قانون خاص» تعبیر می‌شود - دست ببرد؟ این بحثی است که در محل خود قابل طرح است که آیا اساساً در نظام حقوقی ما، تعدیل قضایی قابل‌پذیرش و اعمال می‌باشد یا خیر؟ ولی نکته‌ای که در این بحث قابل ذکر است؛ اینکه اگر هم تعدیل قضایی قابل‌پذیرش باشد باید سبب آن را در

مطلبی و رای اراده‌ی شخصی قاضی جستجو کرد و ظاهراً این مطلب همان اراده‌ی مکنون قانون‌گذار است. و در تعدیل قضایی باید این اراده، بدون معارض احراز شود.

۵- جایگاه تعدیل قرارداد

مقتضای «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»^۱ و همچنین سیره‌ی عقلای عدم تغییر در مفاد عقد است. برخی نویسندگان بیان داشته‌اند: «اصل اولیه در حقوق قراردادها، حفظ ثبات و ضرورت پای‌بندی به تعهدات ناشی از آنهاست. اصلی که جزء نخستین قواعد پذیرفته‌ی حقوقی در تمام نظام‌های حقوقی است. با اینهمه تردیدی وجود ندارد که اصل یادشده نیز، همانند بسیاری قواعد حقوقی دیگر، ریشه در حکم عقل و مصلحت اجتماعی دارد؛ لذا نمی‌تواند بی‌توجه به آثار اجتماعی خود، اصلی مطلق تلقی شده، در همه حال به اجرا در آید».^۲

لذا ممکن است در شرایطی مجبور شویم اصل اولیه را نادیده گرفته و با توجه به «عذرهای قراردادی»^۳ تدابیر حقوقی ویژه‌ای پیشنهاد و یا اعمال کنیم. در اینجا است که نهادهایی حقوقی با پشتوانه‌ی نظریات فقهی و یا دکترین‌های حقوقی مطرح می‌شود که ما به آنها اشاره می‌کنیم:

۶- عوامل برهم‌زننده

عواملی که باعث برهم‌زدن نظم قراردادها می‌شوند (عوامل برهم‌زننده)؛ در این زمینه می‌توان به عواملی از قبیل:

نوسانات شدید اقتصادی و افزایش و کاهش مکرر نرخ کالاها و خدمات، سیل، زلزله، جنگ، بحران‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی، قحطی، خشک‌سالی، طولانی‌بودن مدت قرارداد، تغییر سلیقه و اراده‌های متعاقبین، تغییر توان متعاقبین، ارتباط کلّ یا بخشی از قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه و دیگر عواملی که برهم‌زننده‌ی پیش‌بینی‌ها است و باعث تغییر و تحول اساسی و چشمگیر در ارکان و شرایط قرارداد می‌شود. همچنین ممکن است قراردادی به خاطر جهل متعاقبین و یا سوءاستفاده و سوءنیت یکی از متعاقبین و یا دلایل از ابتدا به صورت نامتعادل تنظیم شود.

^۱ - المائدة ۱.

^۲ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۶۶.

^۳ - Contractexcuse (En)

این نکته نیز قابل دقت است که برخی موارد کاهش ارزش پول و برخی مواقع افزایش ارزش آن در قبال کالا و یا خدمات مورد نظر باعث تعدیل قرارداد است.

۷- نظریات قابل طرح در وضعیت نامتعادل قرارداد

۷-۱- نظریه‌ی فورس مازور^۱

این کلمه اصطلاحی فرانسوی است که در فارسی از آن با اصطلاح «قوه‌ی قهریه» یا «قوه‌ی قاهره» یاد می‌شود.

جناب آقای دکتر لنگرودی در تعریف این واژه می‌نویسد: «آنچه که قابل پیش‌بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسی که به علت عدم توانایی خسارتی به متعهد خود یا متضرر دیگری وارد کرده است گردد، مانند حریق‌ی که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام رساند. این اصطلاح و اصطلاح «حادثه‌ی غیرمترقب» در قوانین فرانسه و در آثار غالب حقوقدانان آن مرز و بوم به طور مترادف استعمال می‌شود».^۲

اما درباره‌ی اینکه ویژگی‌های این نهاد حقوقی و نقاط افتراق آن با دیگر نهادهای مشابه چیست، جناب آقای بیگدلی به دو نکته اشاره می‌کند:

۱- از لحاظ فیزیکی و عمل باعث غیرممکن شدن اجرای تعهد می‌شود؛

۲- از جهت اثر حقوقی نیز نتیجه‌ی فورس مازور سقوط تعهد یا تعلیق اجرای آن است.^۳

۷-۲- فراستریشن^۴

آنچه به نظر می‌رسد اینکه این نظریه، یک نظریه‌ی انگلیسی است شبیه فورس مازور. این کلمه در فارسی به معنای: ناکامی، درماندگی، استیصال و عجز ترجمه شده است.^۱ حقوقدانان ایرانی اصولاً از «عقیم شدن عقد» به عنوان معادل اصطلاح فراستریشن استفاده کرده‌اند.^۲

^۱ - Laforcemageur

^۲ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۵۳.

^۳ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۷۰.

^۴ - Frustration

جناب آقای سعید بیگدلی در کتاب خود به نقل از فرهنگی حقوقی درباره‌ی مفهوم فراستریشن می‌نویسد: «فراستریشن عبارت است از انحلال زودتر از موعد قرارداد، به علت اوضاع و احوالی که بعد از انعقاد عقد به وجود آمده که اجرای قرارداد را ناممکن ساخته یا نسبت به وضعیتی که طرفین ابتداءً و در زمان تشکیل آن پیش‌بینی می‌کرده‌اند، چنان متفاوت ساخته است که الزام طرفین به پای‌بندی و اجرای آن قابل پذیرش و معقول نیست. دلیل این مطلب این که عدم امکان اجرای قرارداد چه به صورت واقعی و چه به صورت حکم قانون‌گذار، بی‌آنکه قابل انتساب به طرفین باشد قرارداد را منحل می‌کند».^۲

سبب و کیفیت پیدایش فراستریشن در حقوق انگلیس می‌توان گفت تفاوتی با نظریه فورس مازور ندارد.

جناب آقای بیگدلی درباره‌ی این نظریه می‌نویسد: «برخلاف فورس مازور که عمر آن را می‌توان بسیار طولانی دانست (گذشته از نام آن)، نهاد عقیم‌شدن عقد، که در غالب موارد همان هدف فورس مازور را دنبال می‌کند، نهادی نسبتاً نوپیداست».^۴

ولی شاید بتوان در مبنا این دو نظریه را مبتنی بر دو مبنای متفاوت دانست چه اینکه با توجه به شرایط لازم برای فورس مازور از قبیل غیرقابل‌پیش‌گیری بودن و غیرقابل‌انتساب بودن، می‌توان اینطور استنباط کرد که مبنای معافیت بر فورس مازور عدم تقصیر است؛ ولی با توجه به پیدایش فراستریشن «قاضی بلکبرن»^۵ به شرط ضمنی استناد می‌کند و آن را مبنا قرار می‌دهد.^۶

جناب آقای بیگدلی در مورد اثر فراستریشن چنین می‌نویسد: «عقیم‌شدن قرارداد، چون به معنای غیرقابل‌انجام بودن تعهد است، لذا به محض وقوع، باعث انحلال عقد می‌شود و بی‌آنکه عقد را از ابتدا باطل نماید، مسئولیت متعهد را نسبت به زمان پس از حادثه ساقط می‌کند».^۷

^۱ - منوچهر آریانپور، فرهنگ پیشرو آریانپور، نشر جهان رایانه، چاپ دوم، دوره‌ی شش جلدی؛ حق شناسی، سامعی، انتخابی، فرهنگ هزاره، چاپ دوم به دوره‌ی دو جلدی.

^۲ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۷۴.

^۳ - Walker, David, TheoxfordCampanion to law, Clarendon Press, 1980, P. 506. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۷۵)

^۴ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۷۰.

^۵ - Blackburn

^۶ - رأی تاریخی تیلور علیه کالدول.

^۷ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۸۵.

از دیگر تفاوت‌هایی که بین فورس ماژور و فراستریشن ذکر شده اینکه فورس ماژور دایره‌ی گسترده‌تری دارد و برخلاف فراستریشن که در مورد معافیت‌های قراردادی قابل طرح است، فورس ماژور در معافیت‌های غیر قراردادی نیز قابل طرح است.^۱ فرق دیگری که ذکر شده در موردی است که هدف قرارداد دیگر قابل تحقق نیست که بنابر نظری این مورد به وسیله‌ی فورس ماژور قابل توجیه نیست.^۲

۳-۷- غیر عملی شدن تجاری قرارداد^۳

براساس ماده‌ی ۶۱۵-۲ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا (ucc)،^۴ هرگاه حادثه‌ای به طور ناگهانی روی دهد که وضعیت موجود در زمان انعقاد عقد را که مدّ نظر طرفین بوده است دگرگون ساخته، باعث بی‌فایده شدن اجرای عقد از نظر تجاری شود؛ هر چند که اجرای آن را نیز غیر ممکن نسازد، متعهد را از اجرای تعهد خویش معاف خواهد ساخت و دادرس حق خواهد داشت، انحلال عقد را اعلام کند. همچنین، بخش ۲۹۲ حقوق قراردادهای، علاوه بر پذیرش مطلب مذکور اشعار می‌دارد که تعدیل شرایط قرارداد، یکی از راه‌حل‌های است که می‌تواند در این صورت مورد استفاده قرار گیرد.^۵

جناب آقای بیگدلی در مقام مقایسه‌ی این نظریه با ن‌ظریه‌ی «عدم پیش‌بینی» و فرق آن با نظریه‌ی «عدم پیش‌بینی» می‌نویسد: «آنچه علیرغم قرابت بسیار قابل توجه این دو نهاد، باعث جدایی آنان از یکدیگر می‌شود، ضمانت اجرای متفاوت آنهاست. در حالی که تئوری عدم پیش‌بینی بر تعدیل قرارداد و تقسیم زیان حادث بین طرفین قرارداد تأکید دارد.

قانون متحدالشکل تجاری آمریکا، راه‌حل انحلال عقد را برای غیر عملی شدن آن پیش‌بینی نموده است».^۶

ولی با توجه به آنچه در اول بحث - در مورد بخش ۲۹۲ حقوق قراردادهای - گذشت این فرق نمی‌تواند یک فرق قاطع و حتمی باشد. کما اینکه روح منفعت‌جویانه‌ی این نظریه نیز گواهی بر این مطلب می‌دهد. لذا ایشان در ادامه‌ی رساله خود می‌نویسد: «با اینهمه، بنابر توضیحات ارائه شده، با تأکیدی که حقوقدانان بر ضرورت حمایت از قرارداد و در نتیجه تلاش در تعدیل تعهدات طرفین آن به جای فسخ قرارداد دارند، همچنین روند کلی

^۱ - منبع پیشین، ص ۹۱.

^۲ - ر ک: سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۱۳۰.

^۳ - Commercial Improbability of Contract. (En).

^۴ - Uniform Commercial Code.

^۵ - فورت، آ. د. م، بررسی تطبیقی نظریه‌ی عقیم شدن اقتصادی قراردادهای تجاری، ص ۳۵۱.

^۶ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۰۴.

دائری‌ها با پیشرفت زمان، فاصله‌ی این دو نهاد رو به کاهش نهاده، که در صورت تکامل این تحول، می‌توان شاهد اجرای یکسان یک نظریه در دو قالب گوناگون بود.^۱

۷-۴- نظریه‌ی عدم پیش‌بینی^۲

جناب آقای سعید بیگدلی در رساله‌ی خود به طور مفصل به این نظریه پرداخته چنین می‌نویسد: «نظریه عدم پیش‌بینی» جهت توجیه تعدیل قضایی قرارداد ارائه شده و در نظام‌های مختلف، قبول یا رد تعدیل قضایی قرارداد، در قالب قبول یا رد تئوری عدم پیش‌بینی توجیه می‌شود.^۳

وی در توضیح این نظریه می‌نویسد: «گاه، اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد در نتیجه‌ی مواردی غیرقابل پیش‌بینی و نامنتظر، چنان دگرگون می‌شود که هیچ تاجر با تجربه و دوراندیش نیز قادر به پیش‌بینی امری نبوده است. با اینکه در هر عقدی طرفین سود و زیان احتمالی خود را برآورد می‌نمایند و در نتیجه اقدام به انعقاد عقد می‌کنند و گاه متحمل خسارت نیز می‌شوند، اما ضرر مورد بحث ضرری نامتعارف است، به گونه‌ای که در صورت احتمال آن، هیچ متعاقد متعارف و دوراندیش به آن رضایت نمی‌دهد. در چنین صورتی به نظر می‌رسد عدالت معاوضی^۴ اقتضا دارد مفاد عقد تغییر یابد، یا امکان فسخ یا بازبینی در آن فراهم گردد.^۵

در چنین حالتی است که نظریه‌ی عدم پیش‌بینی، به قاضی اجازه می‌دهد تا با شیوه‌ی مناسب در قرارداد دخالت نموده، نابرابری به وجود آمده را جبران نماید.^۶

ایشان، غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه، عدم قابلیت انتساب حادثه به طرف‌های عقد، اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه، دگرگونی اساسی اقتصادی در قرارداد را به عنوان چهار شرط عمده‌ی این نظریه ذکر کرده شرایطی از قبیل دراز مدت بودن زمان اجرای عقد، عدم پیش‌بینی و پذیرش وضعیت جدید، عدم اجرای کامل تعهدات توسط

^۱ - منبع پیشین.

^۲ - از این تئوری در فرانسه با عنوان «امپرویزیون» (Imprevision)، در کشورهای عربی «الحوادث الطارئة» در آلمان «گشفتس گروندلاگ» (Geschäftsgrundlage) و در کشورهای انگلیسی زبان بیشتر با عنوان کلی (Change of circumstances) یاد می‌شود. رک: سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۲۷ و ۲۸.

^۳ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۰۴.

^۴ - LagusticeCummtative.

^۵ - Ghestine (J), Traite de droit civil les effets du contrat 2 edition L.G.D.j. 1994. no 266. (نقل از سعید

بیگدلی، ص ۳۰)

^۶ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۲۹ و ۳۰.

متعهد را به عنوان شروطی احتمالی و اختلافی می‌داند که یا به خاطر مفروض بودن و یا به خاطر عدم ضرورت تنها توسط برخی صاحب نظران مطرح شده است.^۱

همچنین اراده‌ی مشترک (شرط ضمنی)، داراشدن بدون سبب (غیرعادلانه) سوءاستفاده از حق و رفتار خلاف حسن نیت را به عنوان مبانی حقوقی تعدیل قرارداد ذکر کرده‌اند و برای توجیه و استدلال بر تعدیل قضایی در فقه و حقوق ایران به: نظریه‌ی شرط ضمنی، نظریه‌ی غبن حادث، قاعده لاضرر، نظریه‌ی نفی عسرو حرج استدلال نموده، و در فقه عامه نیز با مطرح کردن دو موضوع «فسخ عقد اجاره در نتیجه‌ی عذر موجر یا مستأجر» و «احادیث جائحه» بررسی «تعدیل قضایی» قرارداد پرداخته است.^۲

ولکن آنچه به نظر می‌رسد اینکه باید تذکرات و ملاحظات را اینجا مطرح کرد:

اولاً: نظریه‌ی «عدم پیش‌بینی» تنها نظریه‌ی توجیه‌کننده‌ی «تعدیل قضایی قرارداد» نیست.

ثانیاً: وجهی برای اختصاص دادن این نظریه به «تعدیل قضایی» نیست بلکه این نظریه با توجه به مبانی آن می‌تواند مبنای «تعدیل قانونی» نیز باشد.

ثالثاً: ما در فقه و حقوق ایران بیش از آنکه احتیاج به نظریه‌پردازی داشته باشیم احتیاج به دلایل فقهی، شرعی و قابل طرح در حقوق اسلامی داریم و اگر چنین ادله‌ای تأم بود، دیگر احتیاج به واسطه‌شدن نظریه‌های حقوقی غربی نداریم؛ مثلاً می‌توان قضیه‌ی: (قاعده‌ی لاجرح) = نظریه‌ی عدم پیش‌بینی = تعدیل قرارداد را به قضیه‌ی: (قاعده‌ی لاجرح) = تعدیل قرارداد ساده کرد.

۷-۵- نظریه‌ی غبن

«غبن» یا «خیار غبن» به نظر می‌رسد که نهادی حقوقی در حد و قابلیت طرح به عنوان یک نظریه با مبانی مختلف می‌باشد.

۱- منبع پیشین، صفحات ۴۵ تا ۶۶.

۲- ر ک: منبع پیشین، صفحات ۱۳۰ تا ۲۰۹.

مبنای مذکور به طور سنتی در موردی طرح می‌شود که در هنگام انعقاد عقد به خاطر جهل و عدم خبریویت بیش از عرف و عادت و به صورت نامتعارف دچار غبن شود.^۱ و به عبارت دیگر در موردی مطرح است که عقد از ابتداء نامتعادل منعقد گردد.

برخی حقوقدانان با مطرح کردن نظریه‌ی «غبن حادث»^۲ به توسعه‌ی قلمرو این نظریه پرداخته‌اند.^۳ ایشان استدلال عمده‌ی خود را بر این نکته بنیان نهاده است که خیار غبن از جمله قواعد عمومی قراردادها و وسیله‌ای برای جبران زیان ناشی از نامتعادل بودن دو عوض است. پس طبعاً باید در هر جایی که تعادل عوضین مختل می‌شود به کار آید.^۴

ولی اینگونه توسعه‌ای ظاهراً خلاف ارتکازات عمومی و برداشت‌های فقها از نهاد غبن است. تا آنجا که در کلام مرحوم علامه حلی ادعای اجماع شده بر بی‌تأثیر بودن غبن فاحشی که بعد از قرارداد حادث می‌شود.^۵

جناب آقای کاتوزیان در مقام پاسخ به این اجماع و ارتکاز می‌نویسند: «نه تنها از مفاد نوشته‌ها چنین بر می‌آید که بحث درباره‌ی اجماع منقول از علامه‌ی حلی پایان نیافته است، بلکه احتمال دارد پایه‌ی اتفاق نظر به عهده علامه، ارتباط دادن غبن به تراضی باشد. چنانکه خود او نیز چنین می‌اندیشیده است. به علاوه، مسأله مورد بحث فقهای متقدم با بحث حادث کنونی متفاوت است؛ آنان می‌خواستند فزونی و کاستی بهای مبیع را در فاصله‌ی میان عقد و تسلیم در غبن بی‌اثر بدانند و این امر به عنوان قاعده منطقی و قابل قبول است. در حالی که مسئله‌ی امری استثنایی و زاده‌ی تحول شدید اقتصادی در سده‌ی اخیر است؛ پدیده‌های دور از انتظار و ناگهانی که باعث دگرگونی چهره‌ی عقد و ایجاد عسرو حرج می‌شود و تعادل قراردادی را چنان برهم می‌زند که تناسب تعهد یک طرف با دیگری صوری می‌نماید.

پس، شهرت در فقه یا ادعای اجماع، اگر وجود داشته باشد به دلیل اختلافات دو موضوع نمی‌تواند مانع اجتهاد و رویه‌ی قضایی و حرکت نظریه‌های حقوقی در این زمینه شود».^۶

^۱ - ر. ک: شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۱۰۹ و محقق حلی شرایع الاسلام، مجلد اول، جلد دوم، ص ۱۶، و علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۵۲۲.

^۲ - (Leionaposteriori)

^۳ - ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قرار دادها، ج ۳، ش ۵۴۱.

^۴ - سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۵۸.

^۵ - «أما تؤثر الزيادة الفاحشة و النقص الفاحشة فی تزلزل العقد و ثبوت الخيار فیها لو تبینتا بعد العقد و لو كانتا بعده لم یعتد بهما اجماعاً». علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۵۲۲.

^۶ - ناصر کاتوزیان، منبع پیشین، ش ۵۴۱، ص ۱۰۲-۱۰۰

خیار استفاده می‌شود از:

۱- شرط ضمنی که بیشتر در ارتباط با اراده‌ی مشترک و تراضی طرفین است؛

۲- قاعده‌ی لاضرر بیشتر ناظر به عدالت قراردادی و جنبه‌ی عمومی قرارداد در نظم حقوقی است.^۱

و ظاهراً دکتر کاتوزیان ادعای اجماع را با در نظر گرفتن مبنای اول می‌دانند و این ادعای اجماع را مانع، تک به معنای دوم نمی‌دانند.

و اما درباره اینکه اثر حقوقی غبن چیست و ضمانت اجرای آن چیست نیز ظاهراً اختلافاتی وجود دارد. مرحوم محقق حلّی در شرایع، حق فسخ عقد توسط مغبون را به عنوان اثر غبن یاد کرده و ثبوت ارش - که به نوعی تعدیل قرارداد است - را منفی می‌دانند.^۲ این در حالی است که در حقوق غرب، علاوه بر مطالبه‌ی فسخ قرارداد از سوی مغبون، حق درخواست تکمیل (پرداخت تفاوت) را نیز به او داده‌اند.^۳ و اما ملاحظاتاتی که وجود دارد اینکه:

ظاهراً لزومی ندارد ما با کش و قوس دادن غبن بخواهیم این نهاد را توسعه داده و نظریه‌ای تحت عنوان غبن حادث را در حقوق خود اثبات کنیم. ولی آنچه به نظر اینجانب می‌رسد اینکه خود قاعده‌ی لاضرر ظاهراً توان توجیه تعدیل قانونی و قضایی قرارداد را دارد. گر چه اینطور به نظر می‌رسد که جناب دکتر کاتوزیان که این نظر را مطرح کرده‌اند، درصدد اثبات نظریه‌اند و نه در صدد مبنا قراردادن آن برای تعدیل قرارداد.^۴

۷-۶- نظریه‌ی هاردشیب^۵

این نظریه ابتدا در قراردادهای بین‌المللی و جهت رفع مشکلات ناشی از الزام‌آور بودن آنها در قراردادهای بین‌المللی و جهت رفع مشکلات ناشی از الزام‌آور بودن آنها در قراردادهای با اجرای طولانی مدت ظاهر شده، سپس در حقوق داخلی کشورها نیز شایع شده است.^۱

۱. ر.ک: جواد فخار طوسی، منبع پیشین، ص ۱۳۳.

۲. محقق حلّی، شرایع الاسلام، منبع پیشین، ص ۱۶.

۳. جواد فخار طوسی، منبع پیشین، ص ۱۳۵. برای مطالعه این رأی در حقوق غرب ر.ک: دروس حقوقی مدنی، مازو، ۳، ش ۸۷۵ و

نیز ر.ک: الوسیط، ج ۴، ص ۴۰۷.

۴. ر.ک: ناصر کاتوزیان، منبع پیشین، ش ۵۴۳.

۵ - Hardship

نظریه‌ی مورد بحث با همان عنوان انگلیسی «هاردشیپ» شناخته می‌شود و اصطلاح معادل جاافتاده‌ای در حقوق بیشتر کشورها از جمله فرانسه ندارد. در نوشته‌های فرانسویان در مقابل این اصطلاح تعبیری همچون «شرط عدم پیش‌بینی»، «شرط حفاظت»، «شرط انصاف» و «شرط بازبینی» نیز به کار رفته است، اما برای نشان دادن مفهوم دقیق مطلب، غالباً از «هاردشیپ» استفاده می‌شود.^۱

برخی نویسندگان در تعریف این نهاد گفته‌اند: «شرطی است که براساس آن، در صورتی که شرایط اولیه قرارداد که مبنای توافق طرفین بوده است، دگرگون شود، به گونه‌ای که تعادل قراردادی دچار اختلال گردد، متعاقدين می‌توانند جهت تحمل‌پذیر شدن فشار نامتعرف ایجاد شده برای یکی از آنان، در خواست بازبینی در عقد را نمایند».^۲

حقوقدانان، شرط هاردشیپ را مستلزم دو تعهد برای طرفین عقد می‌دانند: نخست این که، طرفین مکلفند با همدیگر ملاقات نمایند یا ترتیبی دهند تا امکان مذاکره با طرف مقابل فراهم شود،... پس هر کدام از طرفین که از ملاقات یا ارتباط با دیگری اجتناب نماید، مرتکب تخلف قراردادی شده است.

دیگر و مهم‌تر این که، طرفین موظفند، با حسن نیت و به قصد برطرف شدن عدم توازن ایجاد شده در عقد و با توجه به وضعیت قرارداد و اوضاع و احوال فعلی و اقتصاد حاکم بر عقد، به طرح پیشنهادات جدی و واقع‌بینانه بپردازد.

در غیر این صورت، تقصیر قراردادی وجود خواهد داشت که به معنی عدم احترام به تعهد نسبت به مذاکره است، امری که در صورت تحقق، موجب تکلیف بر جبران خسارت وارده به طرف مقابل خواهد بود.

طرفین می‌توانند از بدو تشکیل عقد، به طور روشن و مشخص، کیفیت اجرای شرط را معین نمایند... مهم‌تر اینکه آنان می‌توانند برای انجام مذاکره مهلت خاصی پیش‌بینی نمایند یا ضمانت اجراهای مناسبی برای بی‌نتیجه ماندن مذاکرات قائل شوند تا ذی‌نفع نتواند با اتلاف وقت یا پیشنهادات غیر واقعی، عملاً شرط مورد نظر را ناکارآمد سازد.^۳

۱- رك: سعيد بيگدلي، منبع پیشین، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۲- رك: سعيد بيگدلي، منبع پیشین، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۴- رك: منبع پیشین، ص ۳۰۹.

۵- منبع پیشین، ص ۳۱۰ - ۳۱۲.

البته از آنچه تاکنون ذکر شده این مطلب استنتاج می‌شود که این نظریه با نظریات پیشین تفاوت‌های واضحی دارد. این نظریه یکی از نظریات توجیه‌کننده‌ی «تعدیل قراردادی» است؛ برخلاف نظریات قبل که درصدد توجیه «تعدیل قضایی» و «تعدیل قانونی» بودند؛ و پذیرش آن با سهولت بیشتری روبروست. این نظریه به یک راه‌کار حقوقی و شرط ضمن عقد بیشتر شبیه است تا به یک نظریه‌ی حقوقی - فلسفی، یا حقوقی - اجتماعی، یا حقوقی - اقتصادی.

۷-۷- نظریات دیگر

در این باره که با تغییر اوضاع احوال و غیرممکن شدن یا مشکل شدن اجرای قرارداد چه باید کرد؟ بر چه مبنا و با چه توجیه و نظریه‌ای باید پیش رفت نظرات متفاوتی وجود دارد. و غیر از نظریات یادشده نظریات دیگری نیز قابل طرح است از جمله نظریه‌ی حسن نیت^۱ و... حتی در بعضی نوشته‌ها به نظریه‌ی «حادثه‌ی غیرمترقبه» تمسک شده و تفسیری شبیه نظریه‌ی «عدم پیش‌بینی» از آن ارائه شده و آن به عنوان توجیه‌کننده‌ی تعدیل قرارداد مطرح شده است.^۲

که البته - با توجه به مطالبی که در فورس ماژور گذشت و اینکه گفته شده حقوقدانان، فورس ماژور و حادثه‌ی غیرمترقبه را یکی می‌دانند - این نوشته خالی از تأمل نیست.

۸- شکل‌های مختلف تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد در شکل‌های سه‌گانه‌ی آن با توجه به طرح آن در قراردادهای گوناگون و طرح تعدیل در مسائل حقوقی مختلف و صلاح‌دید قانون‌گذار، قاضی و طرفین ممکن است در اشکال مختلفی در قراردادها تجلی پیدا کند؛

از جمله:

۱- افزایش یا کاهش ثمن یا اجاره بها و...؛

۲- افزایش یا کاهش مثن یا حق انتفاع و منفعت و...؛

۳- حذف یا افزودن شروط ضمنی؛

۱- سنه‌وری (به نقل از جواد فخار طوسی، منبع پیشین، ص ۱۲۹).

۲- جواد فخار طوسی، منبع پیشین، ص ۱۲۶.

۴- کم یا زیاد کردن مدت‌ها در قرارداد؛

۵- تعیین بهای استاندارد برای کالاها و خدمات؛

۶- تعیین کالاها و خدمات استاندارد؛

۷- پرداخت خسارت‌ها و وجه‌المصالحه‌ها؛

۸- محاسبه‌ی ارزش‌های قراردادی به نرخ روز؛

و اشکال مختلف دیگری که شاید استقراء تام آنها مشکل باشد، خصوصاً در مورد تعدیل‌های قراردادی که احصاء اشکال تعدیل قرارداد در آن کاری دشوار می‌نماید.

۹- تعدیل در مقولات غیر قراردادی

ایجاد موازنه و عادلانه‌ساختن اوضاع اختصاص به قراردادها نداشته در دیگر مسائل حقوقی نیز قابل طرح است. مثلاً در ضمانت‌های قهری و غیرقراردادی پراخت عادلانه‌ی خسارت یکی از دغدغه‌های فقها و حقوقدانان بوده و هست. یا مثلاً حقوق فرانسه تعدیل در تقسیم ترکه را مطرح ساخته است.

برخی اوقات بر نتیجه‌ی تقسیم ماترك توسط وارثین، ممکن است علیرغم تقسیم مساوی مال مشترک، به علت تفاوت کیفیت و مرغوبیت بخش‌های مختلف شخصی بدهکار دیگری گردد و مدتی برای پرداخت این مابه‌التفاوت تعیین شده باشد. حال، چنانچه در مدت پیش‌بینی‌شده، به قیمت دارایی او مبلغ خاصی افزوده شود، لازم خواهد بود که مبلغ بدهی بدهکار نیز به همان نسبت افزایش یابد.

ماده‌ی ۱- ۸۳۳ قانون مدنی مصوب ۳ ژوئیه‌ی سال ۱۹۷۱ چنین می‌گوید: «هنگامی که به علت تفاوت قیمت، در تقسیم مال مشترک طرفی بدهکار شده و مدتی برای پرداخت مابه‌التفاوت او وقت داده شده باشد و به علت اوضاع و احوال، بر قیمت دارایی او بیش از يك چهارم افزوده یا کاسته شود، به همان نسبت میزان بدهی کاهش یا افزایش خواهد یافت.

طرفین می‌توانند توافق نمایند که مبلغ مابه‌التفاوت تغییر نخواهد یافت».^۱

البته شاید بتوان تقسیم ارث را نوعی قرارداد و قانون فوق را نوعی تعدیل قانونی در قرارداد تقسیم ارث دانست ولی به هر حال تعدیل در مقوله‌های غیرقراردادی هم جایگاه دارد.

^۱- ر. ک: سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۴۱۸

۱۰- مبانی تعدیل قرارداد

تعدیل قراردادی و توافقی قرارداد مشکل خاصی ندارد و مبانی آن همان مبانی صحت و لزوم قراردادهاست و اما آنچه قابل بحث است و باید مبانی صحیح و درستی برای آن تنقیح شود، همان تعدیل قانونی و قضایی قرارداد است.

برای تعدیل قانونی و قضایی قرارداد مبانی حقوقی و فقهی یاد شده که فهرست‌وار به آن اشاره می‌شود:

۱- اراده‌ی مشترک (شرط ضمنی)؛

۲- داراشدن بدون سبب (غیرعادلانه)؛

۳- سوءاستفاده از حق؛

۴- رفتار خلاف حسن‌نیت؛

۵- نظریه‌ی غبن حادث؛^۱

۶- قاعده لاضرر؛

۷- قاعده لاجرح؛

۸- فسخ عقد اجاره در نتیجه‌ی عذر موجبر یا مستأجر؛

۹- احادیث جائحه.^۲

و چون هم اکنون بحث تفصیلی پیرامون مبانی مذکور و تبیین و نقد هر يك منظور ما نیست به همین مقدار اکتفا می‌نماییم.^۳

۱- براساس این نظریه، غبن و اثر حقوقی ناشی از آن را نباید در قید و بند زمان محبوس کرد. همانگونه که عدم تعادل فاحش دو عوض در زمان تراضی می‌تواند باعث خیار غبن برای زیان دیده باشد، اگر وقوع حوادث غیر قابل پیش‌بینی در زمان متأخر از انعقاد قرار داد نیز تعادل عرفی تعهدات طرفین را دچار اختلال سازد، امکان تعدیل یا فسخ قرار داد وجود خواهد داشت. ر.ک: سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۵۷.

۲- عن النبی (صلی الله علیه وآله): «لو بعت من أخیک ثمرأ فاصابته جائحة، فلا یحلّ لك أن تأخذ منه شیئاً، بم تأخذ مال أخیک بغير حق؟» صحیح مسلم، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۳- برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۲۱۰ تا ۱۳۰.

۱۱- اشکالات تعدیل قرارداد

اشکالاتی برای تعدیل قرارداد برشمرده‌اند:

اولاً: با اصل حاکمیت اراده منافات دارد. اصل حاکمیت اراده جزء قدیمی‌ترین و مبنایی‌ترین اصول پذیرفته‌شده حقوقی است. براساس این اصل آنچه می‌تواند باعث ایجاد تعهد گردد اراده‌ی آزاد فرد است. اصل حاکمیت دارای مبانی فلسفی، اخلاقی و اقتصادی است که تعدیل قرارداد همه‌ی آن‌ها را با اختلال مواجه می‌کند:

در توجیه مبنای فلسفی اصل حاکمیت اراده، به اصل آزادی افراد استناد شده است. بر این اساس، تنها چیزی که می‌تواند فرد را متعهد سازد، انتخاب آزادانه‌ی اوست و کسی را نمی‌توان متعهد دانست مگر آنکه خودخواسته باشد.^۱

طرفداران این نظریه، برای آن پشتوانه‌ی اخلاقی نیز قائل‌اند. از دیدگاه اینان، چون قرارداد آزادانه و بااختیار از سوی متعاقدين منعقد می‌گردد، اجرای آن براساس قاعده‌ی اخلاقی ضرورت پای‌بندی به عهد و پیمان و کلام جاری شده لازم‌الاجراست.^۲

همچنین برخی، شرافت و انصاف را مقتضی عمل به پیمان و اجتناب از شانه خالی‌کردن از آن به بهانه‌ی سخت‌شدن اجرای تعهد دانسته‌اند.^۳

از سوی دیگر در توجیه مبنای اقتصادی اصل گفته‌اند: حاکمیت اراده بهترین وسیله تضمین خوشبختی و سعادت عمومی است. از این دیدگاه، رونق، اقتصادی و پیشرفت مادی بشر زمانی محقق می‌شود که تجارت آزاد رونق یابد و افراد با آزادی کامل بتوانند در دایره‌ی مایملک خویش دخل و تصرف نموده و با انعقاد آزادانه‌ی قرارداد، آثار مطلوب خود را بر آن بار کنند.^۴

ثانیاً: باعث می‌شود طرفین تسلط خود را نسبت به آینده‌ی عقد از دست بدهند و این باعث از بین رفتن علت وجودی قرارداد است.

^۱ - ۸-6- obligations (B.), Roland (H.), Boyet (L.), (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۴)
^۲ - Flourc (J.), et Aubert (J.L.), Droit civil, les obligations...vol. 1 Actejuridique 9 edition 2000 avec Savaux no 409/Ghestin(J.) op. cit no 269. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۵)
^۳ - Ripert (J.), Boulanger(J.), Traite de droit civil, tome2, no 450.. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۵)
^۴ - Marty (J.) Raynaud (P.), Les obligations, tome 1 no 29-30.. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۵)

ثالثاً: منافی با اصل ثبات و استحکام قراردادی است و در نتیجه باعث اختلال در امنیت حقوقی قراردادها است.

و رابعاً: راه سوءاستفاده از موقعیت‌های خاصی اقتصادی را فراهم می‌سازد و شخصی اگر قرارداد برایش سود نداشت به بهانه‌ی وجود شرایط عدم پیش‌بینی اقدام به تعدیل یا فسخ قرارداد می‌کند و اگر سودمند بود به اجرای آن ادامه خواهد داد.^۱

البته با دقت در اشکالات طرح شده واضح می‌شود که این اشکالات فقط بر دو نوع تعدیل قرارداد یعنی تعدیل قانونی و تعدیل قضایی وارد است، و تعدیل قراردادی عملی است که به اختیار طرفین صورت می‌گیرد و نه با اصل حاکمیت اراده منافات دارد و نه نافی تسلط طرفین قرارداد است بر آن و نه امنیت حقوقی قرارداد را دچار مشکل می‌سازد و چون به اراده‌ی طرفین است اشکال چهارم نیز پیش نمی‌آید.

۱۲- پاسخ طرفداران تعدیل قرارداد

اولاً: اصل حاکمیت اراده اصلی مطلق و بدون استثناء نیست. نباید اجرای این اصل باعث فراموشی منافع اجتماعی شود. این اصل همیشه عدالت و برابری را در روابط اجتماعی تأمین نمی‌کند. آزادی بدون محدودیت، منجر به بی‌نظمی در تولید و توزیع ثروت می‌شود.^۲ معتقدین به ضرورت بازبینی عقود، نه تنها اجرای نظریه‌ی عدم پیش‌بینی را مخالف با اخلاق نمی‌دانند، بلکه معتقدند این حرکت گامی در نزدیک‌تر شدن حقوق به اخلاق است.

به لحاظ اقتصادی نیز غیرقابل تغییر بودن قرارداد، در عمل منجر به بیچارگی و ورشکستگی طرف عقد می‌شود و در نتیجه به عدم انجام قرارداد و عدم امنیت قراردادی می‌انجامد. در حالی که یک بازبینی منطقی در عقد باعث اجرای آن می‌شود.^۳

شاید بتوان اینگونه پاسخ داد که: تعدیل قرارداد، نه تنها مانعی بر سر راه آزادی و حاکمیت اراده نیست، بلکه برعکس، این تئوری می‌تواند به عنوان قاعده‌ی پشتیبان و حامی نسبت به اراده‌ی طرفین مطرح شود.^۴

۱- Capitan (H.), Terre (F.), Lequette (Y.), Lesgrands arrest de la jurisprudence civile, tome 2. 11 - 1 edition. Daiioz. 2000. p. 128. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۶)

۲- Starck (B.), Roland (H.), Boyetc (L.), opt. cit., no 22.. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۷)

۳- Flour (J.), Aubert (J.L.), op. cit. no 410. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۱۹)

۴- Viorin (M), p. 641, citepar: Bedard, artprec, p. 780.. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۲۰)

و به عبارت دیگر: چون رابطه‌ی حقوقی بیش از آنچه که اراده شده است نمی‌تواند وجود داشته باشد، حوادث پیش‌بینی‌نشده و غیرعادی در واری اراده‌ی طرفین قرارداد پس [تعدیل] هیچ توافق اراده‌هایی را زیر پا نمی‌گذارد.^۱

و ثانیاً: تحولاتی که در طی اجرای قرارداد و انجام تعهدات رخ می‌دهد دو گونه است. گاهی معمول و متعارف و پیش‌بینی‌شده‌ی توسط طرفین فرض می‌شود، اما گاهی حوادث غیرمترقبه به گونه‌ای شرایط حاکم بر عقد را دچار تحول می‌سازد که اساساً در دایره‌ی پیش‌بینی طرفین نمی‌گنجد، به گونه‌ای که عرفاً انجام چنان تعهدی در مقابل ما به ازاء، به شوخی می‌ماند. بنابراین، اگر متعهد چنین وضعیتی را پیش‌بینی می‌کرد هیچ‌گاه تن به قرارداد نمی‌داد. تعدیل قرارداد در صورت دوم با طبیعت تعهد و قرارداد منافات ندارد.

ثالثاً: تعدیل قرارداد هدفش اجرای عادلانه‌ی قرارداد است.

این نکته را نباید فراموش کرد که اجرای تعهدات اولیه موجود در قرارداد، ضرورتاً به ایجاد امنیت حقوقی نمی‌انجامد. پس روش عاقلانه‌ای که می‌تواند علاوه به احترام به مفاد قرارداد، در عمل نیز به اجرایی شدن آن کمک کند تعدیل در مفاد قرارداد است.^۲

رابعاً: سوءاستفاده یک عنوان ثانوی است و چه بسا بتوان قرارداد را تعدیل کرد و جلوی سوءاستفاده را گرفت.

۱۳- آیا تعدیل در مهریه راه دارد یا خیر؟

استاد محترم جناب آقای دکتر امیر حسین آبادی در مقاله‌ی تعادل اقتصادی در قرارداد چنین آورده‌اند: «قبل از شروع بحث اصلی، لازم به توضیح است که عدم تعادل اقتصادی در قرارداد و تعدیل آن، منحصرأ در عقود معاوضی مصداق دارد. در عقود مجانی هر چند که در آن شرط عوض شده باشد مانند هبه‌ی معاوضی (ماده ۸۰۱ قانون مدنی) صحبت از نابرابری در عوض معنا و مفهومی ندارد».^۳

و به این لحاظ که مشهور در بین حقوقدانان این است که عقد نکاح عقدی غیر معاوضی است این اشکال مطرح می‌شود که آیا بحث تعدیل در مهریه هم راه دارد یا نه؟

۱- Viorin, p.46. citepar: bedard (J.), art.prec, p. 780.. (به نقل از سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۲۰)

۲- رک: سعید بیگدلی، منبع پیشین، ص ۱۲۳.

۳- امیر حسین آبادی، تعادل اقتصادی در قرارداد، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰ - ۱۹، ص ۱۹۸، ۱۳۷۶.

ولی به نظر می‌رسد که امکان تعدیل در مقوله‌ی مهریه مطلبی مسلم است.

تأمل دیگری که در کلام استاد معظم هست اینکه تعدیل در مقولات غیر قراردادی هم راه دارد.

۱۴- ماهیت تعدیل مهریه

اکنون که با مفهوم تعدیل قرارداد آشنا شدیم، باید به سراغ موضوع اصلی این رساله یعنی «تعدیل مهریه» رفته و با مفهوم این اصطلاح نیز آشنا شویم. آیا این مقوله‌ای مباین و مقابل تعدیل قرارداد است؟ منظور از تعدیل مهریه چیست؟ و چه ارتباطی با تعدیل قرارداد دارد؟ برخی نویسندگان ظاهراً «تعدیل مهریه» را همان «محاسبه‌ی مهریه به نرخ روز» معنا کرده‌اند. در برخی نوشته‌ها چنین آمده:

«انتخاب واژه‌ی «تعدیل» هم‌سنگ با عبارت «محاسبه به نرخ روز» انتخابی است تا باب ورود به فلسفه و ماهیت موضوع باز شود؛ وگرنه با بررسی‌های صورت گرفته، اساساً فقهای قدیم در خصوص تعدیل مهر و محاسبه‌ی آن به نرخ روز، به شکلی که امروزه مطرح شده است، مطلبی مستقل بیان نکرده‌اند... معنای اصطلاحی تعدیل نزدیک به معنای لغوی است و آنچه از مفهوم تعدیل بدست می‌آید تقسیم عادلانه و پرداختی خالی از ضرر و زیان به یک طرف باشد، بلکه باید رعایت تسویه صورت پذیرد و آنچه شخص مستحق آن است دریافت دارد.

استفاده از واژه‌ی تعدیل در پرداخت مهر از سوی مرد نیز دقیقاً در همین معنا استفاده می‌شود، چرا که با گذشت زمان، ارزش مهر تغییر می‌یابد و آن چه زن استحقاق آن را داشته، تحصیل نمی‌کند، بنابراین باید مهر او تعدیل شود و مهری به زن داده شود که حق مکتسبه‌ی او تضییع نگردد.

تعدیل در اینجا همان محاسبه‌ی مهر به نرخ روز است. نرخ‌ی که متضمن کمترین ضرر به زوجه باشد.^۱

ولکن آنچه به نظر می‌رسد اینکه «تعدیل مهریه» زیر مجموعه‌ی «تعدیل قرارداد» و به نوعی تعدیل قرارداد نکاح و تعدیل یکی از شروط ضمن عقد نکاح یا تعدیل یک قرارداد و توافق تبعی عقد نکاح می‌باشد و دارای همان اقسام سه‌گانه‌ی مشهور و قابل تطبیق با همان تعاریف پیش‌گفته می‌باشد.

لذا تعریف ارائه‌شده توسط نویسنده‌ی محترم فقط اشاره به یکی از موارد تعدیل مهریه است.

^۱ - ابراهیم پولادی، منبع پیشین، صفحات ۱۰۲-۱۰۴.

نتیجه‌گیری

گرچه بحث و بررسی نظریات حقوقی ارائه شده در تعدیل قرارداد برای موقعیت‌های حادّ و مشکل در بدو امر به جا و سزاوار به نظر می‌رسد ولی آنچه لازم است و ضروری است بحث و بررسی مبانی و ادله‌ی این نظریات است تا بتوانیم با نظری جامع‌نگر پیشامدهای گوناگون را تحلیل کرده و حکم فقهی حقوقی آن را بدست آوریم، علاوه بر این ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که در حقوق ایران که بخش عمده‌ی آن نشأت گرفته از فقه امامیه است، نظریه‌پردازی صرف و طرح نظریات مشهور و معروف حقوق کافی به نظر نمی‌رسد بلکه، تنها نظریه‌ای قابل طرح و دفاع است که دارای مبانی محکم و قابل توجیه و پذیرش فقهی باشد. مثلاً در قراردادهای پیچیده و چندمرحله‌ای در صورت غیرممکن شدن یک قسمت و یا یک مرحله‌ی قراردادی می‌توان با تمسک به دو نظریه مذکور دست به تعدیل قرارداد زد. «تعدیل مهریه» نیز زیرمجموعه‌ی «تعدیل قرارداد» و به نوعی تعدیل قرارداد نکاح و تعدیل یک توافق تبعی عقد نکاح می‌باشد.



منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم.

فقه شیعه

۲- پژوهشی در تعدیل قرارداد، جواد فخار طوسی، مجله‌ی فقه اهل بیت، سال هفتم، شماره‌ی ۲۷، پاییز ۱۳۸۰ هـ. ش.

۳- تذکره الفقهاء، علامه حلی، تهران، منشورات المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۸ هـ. ق.

۴- شرایع الاسلام، محقق حلی، چاپ سوم، قم، مؤسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۳ هـ. ش.

۵- اللعة الدمشقية، شهید اول، چاپ شانزدهم، قم، منشورات دارالفکر، ۱۳۸۰ هـ. ش.

مصادر عامه

۶- صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیشابوری، بیروت، دارالفکر.

لغت

۷- فرهنگ پیشرو آریانپور، منوچهر آریانپور، چاپ دوم دوره‌ی شش جلدی، نشر جهان رایانه.

۸- فرهنگ هزاره، حق شناسی، سامعی، انتخابی، چاپ دوم دوره‌ی دوجلدی.

حقوق

۹- تعادل اقتصادی در قرارداد، امیر حسین آبادی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۶ هـ. ش.

۱۰- تعدیل قرارداد، سعید بیگدلی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۶ هـ. ش.

۱۱- قواعد عمومی قراردادها، ناصر کاتوزیان، چاپ پنجم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۸۷ هـ. ش. ج ۳ (آثار قراردادها).

۱۲- قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، سید مصطفی محقق داماد، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴ هـ. ش.

۱۳- مهریه و تعدیل آن، ابراهیم پولادی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۳ هـ. ش.

